

Representation of Gender Dominant Discourses in Women's Sports With a Sociological Approach

Samaneh Nazari¹, Rahim Ramezani^{1*}, Hamid Reza Goharrostami¹, Mohammad Mahdi Rahmati²

¹ Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran.

² Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

Received: 2022/06/11

Accepted: 2022/09/11

Review Article

Abstract

Objective: Deep analysis of issues of women in sport and especially in the sociology of sport, have always been among scientific approaches and paradigms, and one of the most special discourses in sport is its gender issues. Therefore, the purpose of this research is to represent and analyze gender dominant discourses in women's sports with a sociological approach.

Methodology: The current research was qualitative research and used thematic analysis method. Therefore, 150 valid research articles were analyzed and coded based on conceptual commonality and purposive sampling technique. The textual data with these samples continued until the researcher reached the theoretical saturation stage. The research data were classified in the form of analysis of the topics related to the discourses. In general, from 11 basic (main) themes, 3 organizing themes and finally a semantic theme were extracted, which draws and analyzes the network of themes related to gender dominant discourses in women's sports. The research validation method was also applied based on the presentation and feedback of the research results to the experts for its final approval.

Results: Based on the theme analysis of the research data, three basic themes including the domination of gender norms in sports, media representation of women's sports and gender discrimination in sports were identified, which were able to represent the central theme of gender dominant discourses in women's sports. In a general view, it can be seen that all the themes extracted at the middle level and the basic concepts at the micro level are all related and there is a close relationship between these categories for drawing gender discourses in women's sports. Based on the network of drawn themes, it can be concluded that the sum of these themes can well represent the semantic theme.

Conclusion: Based on three basic themes, the change in the roles, attitudes and beliefs of the society towards women's sports can change the dominance of gender norms in sports; Quantitative and qualitative representation of women's sports in the media and social media to make appropriate objectification of women's participation; And finally, the establishment of gender equality in rights and benefits, resources, education and management can lead to a better understanding of women's sports and, as a result, create policies and strategic plans in this field.

Keywords: gender, women's sports, gender norms, gender equality

* Corresponding author's e-mail address: rramzani@guilan.ac.ir

بازنمایی گفتمان‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان با رویکرد جامعه‌شناختی

سمانه نظری^۱، رحیم رضائی‌نژاد^{۱*}، حمیدرضا گوهر رستمی^۱، محمدمهدی رحمتی^۲

^۱ گروه مدیریت ورزش، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

^۲ گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

مقاله مروری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، بازنمایی و تحلیل گفتمان‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان با رویکرد جامعه‌شناختی است. روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نوع تحقیق کیفی و با استفاده از روش تحلیل تماتیک (تحلیل مضمون) انجام گردید. بر این اساس، ۱۵۰ مقاله پژوهشی معتبر به صورت نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اشتراک مفهومی، تحلیل و کدگذاری شد. به‌طور کلی، از ۱۱ مضمون پایه (اصلی)، ۳ مضمون سازمان و در نهایت تم فراگیر استخراج شد که شبکه مضامین مرتبط با گفتمان‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان را ترسیم و تحلیل می‌کند. روش اعتبارسنجی پژوهش نیز بر اساس ارائه و بازخورد نتایج پژوهش به صاحب‌نظران برای تأیید نهایی آن اعمال گردید.

یافته‌ها: بر اساس، تحلیل مضمون داده‌های پژوهش، سه مضمون پایه شامل حاکمیت هنجارهای جنسیتی در ورزش، بازنمایی رسانه‌ای ورزش زنان و تبعیض جنسیتی در ورزش شناسایی شدند که توانستند مضمون مرکزی گفتمان‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان را آشکار سازند.

نتیجه‌گیری: بر اساس سه مضمون پایه، تغییر در نقش‌ها، نگرش‌ها و باورهای جامعه به ورزش زنان، می‌تواند به تغییر حاکمیت هنجارهای جنسیتی در ورزش؛ بازنمایی کمی و کیفی ورزش زنان در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به عینیت‌بخشی مناسب مشارکت زنان؛ و در نهایت استقرار برابری جنسیتی در حقوق و مزایا، منابع، آموزش و مدیریت می‌تواند منجر به درک بهتر ورزش زنان و در نتیجه، ایجاد سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های راهبردی در این زمینه شود.

واژگان کلیدی: جنسیت، ورزش زنان، هنجارهای جنسیتی، برابری جنسیتی

مقدمه

بررسی موضوعات و مسائل زنان، همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های محققان و به‌ویژه اندیشمندان حوزه علوم انسانی محسوب می‌شود. از طرف دیگر، مباحث مربوط به زنان و واکاوی عمیق آنها در حوزه ورزش به‌ویژه جامعه‌شناسی ورزش^۱، همواره از رویکردها و پارادایم‌های علمی مطرح بوده است و از خاص‌ترین موضوعات در حوزه ورزش، مباحث جنسیتی آن است (Garrett, 1998؛ Weiss & Norden, 2021؛ Coakley, 2017). البته، پژوهش‌ها در مورد ورزش زنان با رویکردهای جامعه‌شناختی بسیار متنوع و گسترده‌اند مثلاً محققان فراوانی، عوامل مؤثر در زمینه توسعه ورزش زنان را در سطوح همگانی، قهرمانی و تربیتی، تحلیل نموده و تدوین برنامه‌های راهبردی ورزش زنان، استراتژی‌های توسعه ورزش قهرمانی در رشته‌های مختلف ورزشی، موانع و انگیزه‌های مشارکت زنان در ورزش، شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های ورزش بانوان در کشور در قالب عوامل بازدارنده و انگیزاننده؛ و همچنین نقش متغیرهای فردی و اجتماعی اثرگذار بر مشارکت آنان را بررسی کرده‌اند. بر این اساس و با توجه به پراکندگی تحقیقاتی، لزوم ایجاد یک نگاه جامع‌نگر برای بررسی مضامین نهفته در این پژوهش‌ها بیش از پیش احساس می‌شود. با وجود چنین تحقیقات گسترده‌ای، زنان و مسأله جنسیت جزء اساسی تحلیل‌های جامعه‌شناختی در حوزه ورزش زنان است که پژوهش‌های داخلی به‌طور بسیار پراکنده و نامحسوس به مباحث زنان با رویکردهای جنسیتی پرداخته‌اند و اکثر این پژوهش‌ها نیز بر مباحث مشارکت زنان یا فرصت‌ها یا محدودیت‌های آنان تمرکز کرده‌اند (Seddighi & Zokaei, 2015)؛ در صورتی که پژوهش‌های خارجی در حوزه زنان نیز به مباحث بسیار متنوعی در زمینه ورزش زنان به‌ویژه با رویکردهای جنسیتی پرداخته‌اند.

به‌طور کلی، میزان مشارکت زنان در ورزش افزایش یافته است؛ علاوه بر این، به‌طور خاص، زنان در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های ورزشی سنگین (شدت تمرینی بسیار) که به عنوان فعالیت‌های مردانه شناخته شده‌اند نیز مشارکت بیشتری نسبت به دهه‌های قبل دارند (Coakly, 2017). با وجود این مشارکت وسیع، هنوز به نظر می‌رسد ورزش، رابطه زیادی با عناصر به اصطلاح «مردانه» فرهنگ دارد و زن در ورزش همچنان تحت سلطه و به عنوان قلمرو مرد محسوب می‌شود (Fernandez and et al., 2016). در واقع، از دیدگاه جامعه‌شناسی ورزش، بسیاری از ورزش‌ها با مفهوم مردانگی و مردانه بودن مرتبطند (Messner, 2011؛ Plaza and et al., 2017). این موضوع بدان معناست که ورزش به‌عنوان مکان و عرصه‌ای برای بروز و تجلیل از ویژگی‌ها و رفتارهای مردانه در نظر گرفته می‌شود (Harris and Penney, 2002). در واقع، بدن مرد ورزشکار نمادی اولیه از قدرت، ویژگی‌های جسمانی، قدرت و برتری است؛ در مقابل، بدن زنان ورزشکار را با ایجاد قوانین خاص برای شرکت در طیفی از ورزش‌ها، ناتوان در نظر گرفته‌اند زیرا به نظر می‌رسد فعالیت‌ها با قوانین منعطف‌تر و سهل‌گیرانه‌تر برای زنان «مناسب‌تر»ند (Burke, 2010). در واقع، سیر تاریخی بسیاری از جوامع، فراگیر بودن امتیازات مردانه و برتری آنان بر زنان را نشان می‌دهد و برای حفظ این شرایط «ناعدلانه»، عموماً افراد جامعه معتقدند که مردان و زنان باید نقش‌های جنسیتی خاص را ایفا کنند (Chen and et al., 2015)؛ بر این اساس، از نخستین سال‌های کودکی و در جریان اجتماعی شدن، بدن دختران و در نتیجه چگونگی انجام رفتارها و فعالیت‌های فردی-اجتماعی (نوع مشارکت ورزشی) آنان بر اساس باورهای و

1. Sociology of Sport
2. Approach
3. Paradigm

هنجارهای اجتماعی ساخته می‌شود و شکل می‌گیرد؛ یعنی زنان یاد می‌گیرند که به عنوان جنس ضعیف‌تر حتی برای انتخاب فعالیت ورزشی خویش نیز، در فعالیت‌های سبک‌تر و با شدت تمرینی کم مشارکت کنند.

معیارها و هنجارهای مردانگی- زنانگی بر عرصه ورزش سایه انداخته و طبقه‌بندی ورزش‌ها بر اساس این معیارها نشانه‌ای آشکار بر تأیید این موضوع است. مطالعات گذشته به‌طور مداوم نشان می‌دهند ورزش‌ها زمانی که شامل تماس بدنی و استفاده از زور یا اجسام سنگین (مانند راگبی، ورزش‌های تیمی، ورزش‌های رزمی) می‌شوند، بیشتر به‌عنوان «مردانه» و زمانی که ویژگی‌هایی مانند زیبایی، موزون بودن و نمایشی بودن فعالیت (مانند باله، اسکیت روی یخ، ژیمناستیک) را دربر می‌گیرند، «زنانه» تلقی می‌شوند؛ یعنی فعالیت‌های شامل قدرت، استقامت و تماس فیزیکی عمدتاً به‌عنوان فعالیت‌های مردانه در نظر گرفته می‌شوند، درحالی‌که ورزش‌های زیبایی‌شناسی (آن‌هایی که شامل تمرکز، کاربرد و انعطاف‌پذیری‌اند) به‌عنوان فعالیت‌های زنانه توسط افراد جامعه در نظر گرفته می‌شوند (Plaza and et al., 2017).

یانگ^۱ (۱۹۸۰) با الهام از دیدگاه نظری فوکو^۲، استدلال می‌کند که دختران از سنین پایین به دلیل جریان دائمی از دلسردی و توقع، از جمله ناتوانی در استفاده از بدن خود همانند پسران، به‌تدریج تحت کنترل (انضباط اجتماعی) و فشار محدودیت‌های هنجارهای جامعه قرار می‌گیرند. علاوه بر این او بیان می‌کند که دختران برخلاف پسران، اغلب در فعالیت‌های با تحرک و شدت تمرینی کم، شرکت می‌کنند. یانگ از این ایده حمایت می‌کند که دختران در جامعه غربی یاد می‌گیرند که چگونه از بدن خود استفاده کنند یا چگونه تحت هنجارهای زنانگی جامعه رفتار کنند. از طرف دیگر، مک‌درموت^۳ (۲۰۰۴) استدلال می‌کند که فراهم کردن فرصت‌هایی برای زنان برای کشف توانایی‌های جسمانی‌شان، به آنها این امکان را می‌دهد که ساختارهای جنسیتی غالب را به چالش بکشند و زنان ورزشکار، توانایی به چالش کشیدن هنجارهای سنتی مردانگی را دارند. در این زمینه، ورزش برای به چالش کشیدن این هنجارها قابل تأمل بوده؛ بنابراین لزوم بررسی مسائل و مفاهیم اجتماعی خاص ورزش زنان از دیدگاه جامعه‌شناختی بیش از پیش درخور توجه است.

تحقیقات نشان می‌دهد که ورزشکاران زن در برابر برداشت‌های مغرضانه و محدود (انگ‌زنی) حاکم در محیط اجتماعی و جامعه آسیب‌پذیرند. در جوامع غربی، زنی که دارای ویژگی‌هایی مانند قدرت و عضلانی بودن است، اغلب به‌عنوان لزبی^۴ «هم‌جنس‌گرا» یا به‌عنوان زنی با خصلت‌های «مردانه» در نظر گرفته می‌شود (Walker and et al., 2012). پژوهش‌ها در جوامع غربی، نشان می‌دهند ورزشکاران زنی که موهای کوتاه و بدن عضلانی دارند و هنجارهای زنانگی را زیر پا می‌گذارند، در معرض چالش‌های هویت جنسیتی خویش قرار می‌گیرند (Cox and Thompson, 2000). درواقع، زنانی که در ورزش‌هایی مانند فوتبال، بوکس و راگبی که مردانه تلقی می‌شوند، شرکت می‌کنند، غالباً نگران این موضوعند که آنها را به‌عنوان یک زن مردنما یا با ویژگی‌های مردانه تصور کنند و اغلب لباس‌های خاصی را انتخاب می‌کنند تا به آنها برجسب مردانه نزنند و اینگونه مورد خطاب قرار نگیرند (Cox, B. and Harris and Penney, 2002; Hargreaves and Vertinsky, 2007; Stubbs, 2013; Thompson, 2000). برای مثال بدن‌سازی ورزشی است که در آن ورزشکاران زن شرکت‌کننده اغلب نگران آنند که گرایش جنسی‌شان زیر سؤال برود به دلیل حجم عظیمی از توده عضلانی است که شرکت‌کنندگان باید برای موفقیت در بدنسازی رقابتی

1. Young
2. Foucault
3. McDermott
4. lesbian

ایجاد کنند (Bunsell, 2013). در این زمینه، شارپ^۱ (۱۹۹۷) استدلال می‌کند زمانی که رفتار و ظاهر زنان با رفتار و ظاهری که از آنها در حوزه اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند مطابقت ندارند، در مورد زیر سؤال بردن هویت جنسی خود احساس نگرانی می‌کنند. در واقع، بدنسازان زن در برابر این برجسب‌های منفی اجتماع، آسیب‌پذیرند، زیرا آنان هنجارهای اجتماعی را با تمرین در محیط‌هایی که قبلاً تحت تسلط مردان عضلانی بود به طور آشکار برهم می‌زنند و از این طریق، معیارهای هنجاری مردانه^۲ را به چالش می‌کشند (Bunsell, 2013).

سیمون دوبووار^۳ (۱۹۴۹) در کتاب «جنس دوم» استدلال می‌کند که در طول تاریخ، زنان به‌عنوان جنس ضعیف‌تر و پایین‌تر از مردان در نظر گرفته شده‌اند. او در این اثر فمینیستی اولیه پیشنهاد می‌کند، به دلیل ژنتیک نیست که زنان تابع مردان تلقی می‌شوند، بلکه به این دلیل است که مردان معتقدند قدرت بالاتری دارند و آنها از این طریق و با این عقیده اعمال قدرت می‌کنند (Lorber and Martin, 2007; Orbach, 2006, 2009). به‌طور کلی، جامعه‌شناسان استدلال می‌کنند که بسیاری از زنان در انقیاد^۴ خود با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ زیرا در موقعیت اجتماعی خود در جامعه، به‌طور منطقی راحتند و از عبور از مرزهای هنجاری می‌ترسند (Douglas, 1986; Cresswell, 1996). بنابراین، این سؤال اساسی مطرح خواهد شد که مهم‌ترین گفتمان^۵‌ها و مباحث خاص جنسیتی زنان در ورزش چیست؟

از طرف دیگر، باتلر^۶ (۲۰۰۴) استدلال می‌کند کسانی که توانایی مقاومت در برابر هنجارهای اجتماعی و ساخت مجدد^۷ آن را دارند، افرادی‌اند که توانایی ایجاد مجموعه هنجارهای جدید (برخلاف هنجارهای سنتی) جامعه را دارند. به عقیده بسیاری از محققان در حوزه علوم اجتماعی، بدن زن توسط جامعه ساخته شده است و رفتارهای زنانه، متأثر از گفتمان‌های رایج در جامعه است. در واقع، بدن و در نتیجه هویت زن توسط این هنجارها و باورهای اجتماعی ساخته می‌شود. محققان فمینیست پیشنهاد می‌کنند زنانی که محرک و انگیزه فاصله گرفتن از تفکرات و باورهای مبنی بر اعمال محدودیت‌های بدن زن را دارند، می‌توانند ادراک جسمانی (بدنی) زن را تغییر^۸ دهند و همچنین مرزهای جسمانی خود را آزمایش کنند (McDermott, 2004; Young, 1980). همچنین، اثرات مثبت روانی و جسمانی ورزش بر کسی پوشیده نیست؛ ولی وجود کلیشه‌ها و باورهای قالبی، مانع از مشارکت بهینه زنان در حوزه ورزش می‌شود. در واقع، با ادامه حضور زنان و دختران در ورزش و فعالیت‌های بدنی، مسائل و روند برابری جنسیتی و تبعیض نیز به صحنه می‌آید. در واقع، صرف نظر از تفاوت‌ها در هر یک از دیدگاه‌های برابری جنسیتی، همه این دیدگاه‌ها وضعیت فرودست ورزش زنان را نشان می‌دهند. برابری جنسیتی به ما یادآوری می‌کند که نباید ایدئولوژی مردانگی هژمونیک^۹ نهفته در ورزش‌هایی را نادیده بگیریم که به مردان نسبت به زنان برتری می‌دهد (Hoerber, 2008) در حقیقت، این کلیشه‌ها وجود دارند ولی نباید بگذاریم عمل کنند؛ بنابراین، با توجه به اهمیت رویکردها و گفتمان‌های مربوط به ورزش زنان و وجود کمبودها و نقصان‌های بارز پژوهشی در این زمینه، هدف اصلی پژوهش حاضر، بازنمایی

1. Sharp
2. Normative masculine standards
3. Simon de Beauvais
4. Subjugation
5. Discourse
6. Butler
7. Re-construct
8. Reshape
9. Ideology of hegemonic masculinity

گفتمان‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی برای شناسایی و بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌ها و سازه‌های اجتماعی-فرهنگی در این زمینه است. از طرف دیگر، با توجه به پراکندگی تحقیقات بسیار در زمینه ورزش زنان، به نظر می‌رسد از این طریق بتوان با تکیه بر رویکردها، دیدگاه و گفتمان‌های اساسی، به نگاه جامع‌تری برای ایجاد یک بینش عمیق و کاربردی در حوزه ورزش زنان دست یافت.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده با استفاده از روش تحلیل تماتیک (تحلیل مضمون) انجام گرفته است. در واقع، تحلیل تماتیک بر مبنای رویکرد تحلیل استقرایی استوار است؛ رویکرد تحلیل محتوای کیفی دارای انواع مختلف است ولی زمانی که پژوهشگر سعی دارد در حوزه‌ای جدید به فهمی تازه دست یابد و مدل یا نظریه‌ای در آن زمینه تدوین کند، از تحلیل استقرایی بهره می‌گیرد (Delavar, 2009). تحلیل تماتیک اصولاً یک راهبرد توصیفی است که کشف مفاهیم مهم از درون مجموعه‌ای از داده‌های کیفی را تسهیل می‌کند. روش تحلیل مضمون یا تحلیل تماتیک، از طریق کدگذاری داده‌ها و تحلیل آنها مشخص کند که داده‌ها به ما چه می‌گویند. این تحلیل در پی الگویابی در داده‌هاست. در نهایت، زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، تم یا مضمون مورد نظر نیز شکل می‌گیرد. تحلیل مضمون، روش‌های بسیاری را در برمی‌گیرد.

با توجه به اهداف پژوهش حاضر، تحلیل مضمون حاضر مبتنی بر روش تحلیل مضمون در شبکه مضامین و تحلیل قالب مضامین و مقایسه‌ای است. بر اساس این روش، ابتدا داده‌های متنی مورد پالایش قرار گرفت یعنی برای طبقه‌بندی داده‌ها، ابتدا از عبارات، توضیحات، جملات و اشاراتی که حکایت از ارتباط با موضوع مورد پژوهش به لحاظ معنایی دارد استخراج گردید و سپس کدگذاری اولیه شد. سپس، کدهای اولیه به مقوله‌های معنایی مشترک گروه‌بندی و در نهایت، بر اساس وجوه مشترک معنایی عبارات گروه‌بندی شده در هر مقوله و طی فرآیندی سلسله‌مراتبی، تم‌های اصل و در مرحله نهایی، تم مرکزی (تم نهایی) شناسایی شد.

روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند یعنی نظری و یا تئوریک است؛ به این منظور، منابعی انتخاب شدند که بیش‌ترین اطلاعات و داده را برای پاسخ به سؤال تحقیق فراهم می‌کردند. داده‌های متنی با این نمونه‌ها تا آنجا ادامه یافت که محقق به مرحله اشباع نظری رسید. اشباع نظری معیاری است برای تعیین تعداد نمونه‌ها که بر اساس آن محقق تا جایی به بررسی داده‌های متنی ادامه می‌دهد که پاسخ به سؤال‌های عمده تحقیق اشباع شده با داده‌های جدیدی در فرآیند گردآوری داده‌ها تولید نشود. این فرآیند را نمونه‌گیری نظری می‌خوانند که به دنبال نمونه‌گیری هدفمند می‌آید (Mohammadpour, 2009؛ Abedi Ja'fari and et al., 2011). بر این اساس، با استفاده از اسناد و پژوهش‌های معتبر از منابع و پایگاه‌های موثق علمی، ۱۵۰ مقاله علمی - پژوهشی معتبر بررسی و تحلیل و داده‌های تحقیق در قالب تحلیل مضامین مربوط به گفتمان‌ها طبقه‌بندی شد. در نهایت شبکه مضامین مرتبط با گفتمان‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان در قالب شماتیک ترسیم شد. روش اعتبارسنجی این پژوهش توسط بازخورد حاصل از تأیید صاحب‌نظران اعمال گردید.

یافته‌های پژوهش

بر اساس تحلیل تماتیک و کدبندی‌های صورت گرفته روی داده‌ها، مهم‌ترین مضمون‌های استخراج شده در جدول ۱، به‌عنوان مضمون سازمان و مضامین پایه به خوبی مشخص شده‌اند.

جدول ۱. مضامین گفتمان‌های حاکم بر ورزش زنان

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	
گفتمان‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان	حاکمیت هنجارهای جنسیتی در ورزش	ماهیت جنسیتی ورزش	
		نقش‌های جنسیتی	
		نگرش‌ها و باورهای جنسیتی	
	عینیت‌بخشی ورزش زنان در رسانه‌ها	بازنمایی کمی نامناسب در رسانه‌ها	سهم بسیار اندک و ناچیز زنان از ظرفیت‌های موجود در خبرهای ورزشی، تبلیغات محدود رسانه‌ای، نادیده انگاشتن و به حاشیه رانده شدن زنان در رسانه‌های مکتوب و غیر مکتوب
		شکاف جنسیتی در رسانه‌ها	پوشش خبری با جهت‌گیری‌های جنسیتی، عدم توجه به عملکردها و دستاوردهای ورزشی زنان، حاکمیت ارزش‌های مردسالارانه بر فضای بازنمایی رسانه‌ای، تمرکز بر زنانگی سنتی
		بازنمایی کیفی نامناسب در رسانه‌ها	صفحه‌آرایی نامناسب، در حاشیه بودن تصاویر ورزشکاران زن، عدم برنامه‌ریزی یا برنامه‌ریزی نامناسب در زمینه پوشش خبری ورزش بانوان، محتوای خبری با کیفیت پایین
	تبعیض جنسیتی در ورزش	نابرابری در حقوق اقتصادی-مالی	پرداخت نابرابر حقوق و دستمزد، مزایای و تسهیلات مالی محدود، نابرابری در قراردادهای مالی، تفاوت در پاداش‌های قهرمانی، محدودیت در جذب حامیان مالی مناسب از ورزش زنان
		نابرابری در پست‌های مدیریتی و اجرایی	فرصت‌های نابرابر جذب و استخدام، عدم به‌کارگیری زنان در پست‌های مدیریتی مناسب، بها ندادن به خواسته‌ها و عدم توجه به توانمندی‌های به زنان شاغل در پست‌های اجرایی، عدم حمایت از روزنامه‌نگاران زن ورزشی، سقف شیشه‌ای در ورزش زنان
		تبعیض در دسترسی به منابع تسهیلاتی	فرصت‌های نابرابر در زیرساخت‌های و اماکن ورزشی مناسب، محدودیت‌های دسترسی به منابع و امکانات ورزشی، محدودیت‌های رفت و آمد، عدم حمایت اسپانسرها در تجهیز و اختصاص امکانات به ورزش زنان
	حمایت‌های اجتماعی نابرابر	نابرابری در فرصت‌های آموزش	تفاوت در فرصت‌های مشارکت ورزشی، شرایط تمرینی نامناسب، تخصیص بودجه ناکافی به ورزش بانوان، عدم توجه به استفاده از مربیان متخصص
حمایت‌های اجتماعی نابرابر		پوشش نامناسب رسانه‌ای، فشارهای اجتماعی، فرهنگی بر ورزش زنان، تبلیغات رسانه‌ای بر اساس نقش‌های سنتی زنانگی، حمایت نابرابر خانواده‌ها از ورزش زنان و دختران، قشربندی‌های جنسیتی اجتماعی	

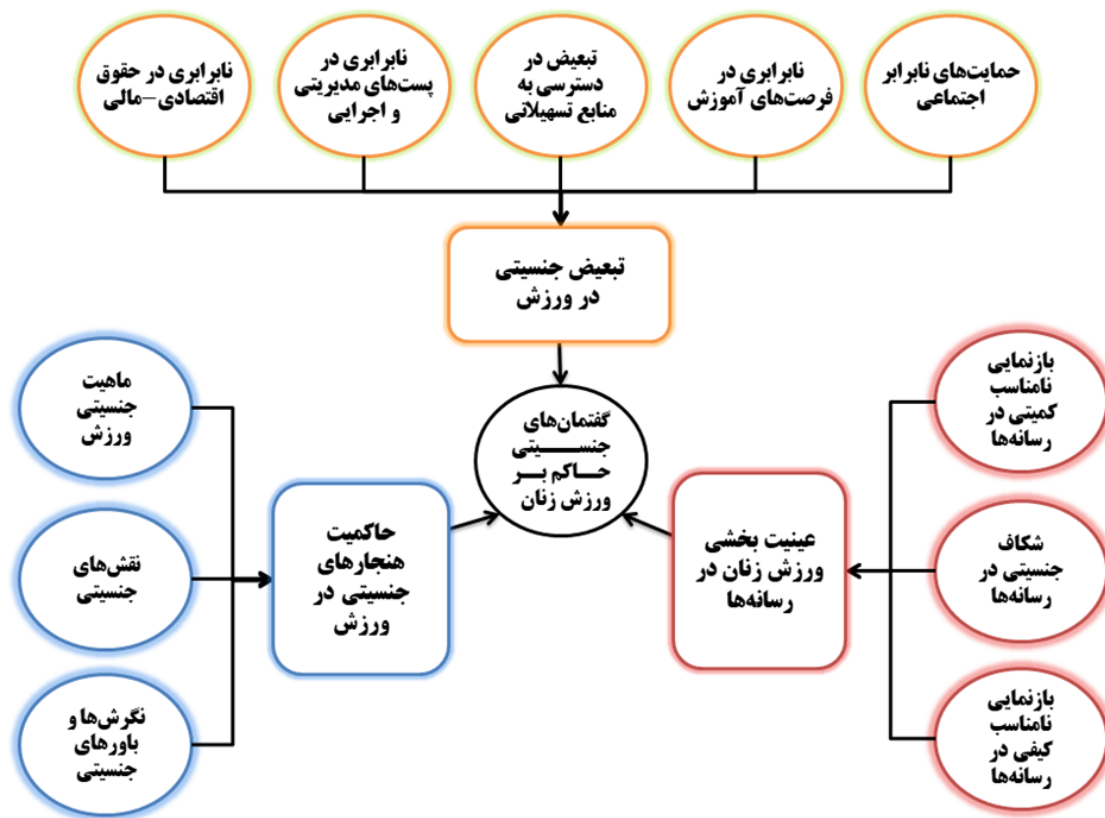
بر اساس، تحلیل مضمون داده‌های پژوهش سه مضمون پایه حاکمیت هنجارهای جنسیتی در ورزش، عینیت‌بخشی رسانه‌ها از ورزش زنان و تبعیض جنسیتی در ورزش در زمینه مضمون کلی (فراگیر) گفتمان‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان حاصل شد که به تفکیک بررسی شده است.

ماهیت جنسیتی ورزش، نقش‌های جنسیتی و درنهایت نگرش‌ها و باورهای جنسیتی، مضامین پایه مربوط به مضمون (سازمان دهنده) حاکمیت هنجارهای جنسیتی در ورزش بودند که بر اساس مجموعه‌ای از کدها به وجود آمدند. ماهیت جنسیتی ورزش بر مجموعه مفاهیمی تأکید دارد که فضای جنسیتی حاکم بر ورزش، تأکید بر ارزش‌های مردانه در ورزش و مواردی از این قبیل را بازنمایی می‌کند. مضمون ماهیت جنسیتی ورزش، کدهای تجلیل از ارزش‌های مردانگی، تأکید بر ارزش‌های زنانه- مردانه در ورزش، توجه به تناسب جنسیتی ورزش‌ها و طبقه‌بندی جنسیتی ورزش‌ها، و در نهایت سلطه مردان بر ورزش را به خود اختصاص داد. نقش‌های جنسیتی، منعکس‌کننده تمامی مفاهیمی است که بیان می‌کنند رفتارها، احساسات، نقش‌ها و وظایف خاصی، فقط مختص و منحصر به زنان یا مردان است و بر این اساس به نقش‌هایی اشاره دارند که زنان یا مردان باید در قبال جنسیت خود، به درستی در جامعه ایفا کنند. کدهای مستخرج مربوط به نقش‌های جنسیتی، فشار بر ورزشکاران برای هم‌نوابی با نقش‌های جنسیتی زنانه- هویت جنسیتی زنان ورزشکار و تقابل آن با هویت ورزشی آنان- میزان باورپذیری نقش‌های جنسیتی توسط ورزشکاران بودند. همچنین، نگرش‌ها و باورهای جنسیتی، به مجموعه مفاهیمی اشاره دارد که ناشی از تفکرات و تصورات جامعه در مورد زنان و مردان است که این باورها بر اساس هنجارهای جنسیتی هر جامعه شکل می‌گیرد. در ارتباط با مضمون مفاهیم تصورات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی حاکم بر ورزش، انگ‌زنی به زنان ورزشکار، طرح‌واره‌های جنسیتی، نگرش زنان ورزشکار به جنسیت، تهدید کلیشه‌ای در ورزش، تأثیرات مخرب و منفی باورهای قالبی در ورزش زنان، ساختارهای سنتی اجتماعی و فرهنگی، ایدئولوژی‌های فرهنگی، اجتماعی حاکم بر جامعه، تغییر معیارهای زنانگی و بدن‌های ایده‌آل در ورزش بیشترین تکرار و تأکید را داشتند.

مضمون عینیت‌بخشی رسانه‌ها از ورزش زنان با سه مضمون بازنمایی نامناسب کمیته، شکاف جنسیتی در رسانه‌ها و پوشش نامناسب خبری از نظر کیفیت مشخص شد. در مورد مضمون بازنمایی نامناسب کمیته، کدهای سهم بسیار اندک و ناچیز زنان از ظرفیت‌های موجود در خبرهای ورزشی، تبلیغات محدود رسانه‌ای، نادیده انگاشتن و به حاشیه رانده شدن زنان در رسانه‌های مکتوب و غیر مکتوب بیش‌ترین موارد را به خود اختصاص داد. مضمون شکاف جنسیتی در رسانه‌ها، توسط مفاهیمی نظیر پوشش خبری با جهت‌گیری‌های جنسیتی، عدم توجه به عملکردها و دستاوردهای ورزشی زنان، کیفیت نامطلوب در پوشش خبری ورزشکاران زن، حاکمیت ارزش‌های مردسالارانه بر فضای بازنمایی رسانه‌ای، و همچنین تمرکز بر زنانگی سنتی بازنمایی گردید. درنهایت، مضمون کیفیت نامناسب پوشش خبری، کدهای مربوط به صفحه‌آرایی نامناسب، در حاشیه بودن تصاویر ورزشکاران زن، عدم برنامه‌ریزی یا برنامه‌ریزی نامناسب در زمینه پوشش خبری ورزش بانوان، محتوای خبری با کیفیت پایین را در برداشت.

مضمون تبعیض جنسیتی در ورزش زنان با سه مضمون نابرابری در حقوق اقتصادی- مالی، نابرابری در پست‌های مدیریتی و اجرایی، تبعیض در دسترسی به منابع تسهیلاتی، نابرابری در فرصت‌های آموزشی و درنهایت حمایت‌های نابرابر اجتماعی مشخص شد. مضمون نابرابری در حقوق اقتصادی- مالی دربردارنده کدهای پرداخت نابرابر حقوق و دستمزد، مزایای و تسهیلات مالی محدود، نابرابری در قراردادهای مالی، تفاوت در پاداش‌های قهرمانی در ورزش زنان، محدودیت در جذب حامیان مالی مناسب از ورزش زنان را به خود اختصاص داد. در زمینه مضمون نابرابری در

پست‌های مدیریتی و اجرایی، کدهای فرصت‌های نابرابر جذب و استخدام، عدم به کارگیری زنان در پست‌های مدیریت مناسب، بها ندادن به خواسته‌ها و عدم توجه به توانمندی‌های به زنان شاغل در پست‌های اجرایی، عدم حمایت از روزنامه‌نگاران زن ورزشی، سقف شیشه‌ای در ورزش زنان بیش‌ترین موارد را به خود اختصاص داد. در مورد مضمون تبعیض در دسترسی به منابع تسهیلاتی، کدهای فرصت‌های نابرابر در زیرساخت‌های و اماکن ورزشی مناسب، محدودیت‌های دسترسی به منابع و امکانات ورزشی، محدودیت‌های رفت و آمد، عدم حمایت اسپانسرها در تجهیز و اختصاص امکانات به ورزش زنان از مفاهیم فرعی و پایه بودند. همچنین، تفاوت در فرصت‌های مشارکت ورزشی، شرایط تمرینی نامناسب، تخصیص بودجه ناکافی به ورزش بانوان، عدم توجه به استفاده از مربیان متخصص کدهایی بودند که مضمون سطح بالاتر یعنی نابرابری در فرصت‌های آموزش را بازنمایی کردند. درنهایت، مضمون حمایت‌های نابرابر اجتماعی توسط پوشش نامناسب رسانه‌ای، فشارهای اجتماعی-فرهنگی بر ورزش زنان، تبلیغات رسانه‌ای بر اساس نقش‌های سنتی زنانگی، حمایت نابرابر خانواده‌ها از ورزش زنان و دختران، قشربندی‌های جنسیتی اجتماعی بازنمایی و مشخص گردید.



شکل ۱. الگوی تحلیل تماتیک گفتمان‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس کدهای مستخرج از تحلیل مضمون داده‌ها، سه مضمون حاکمیت هنجارهای جنسیتی در ورزش، عینیت‌بخشی رسانه‌ها از ورزش زنان و تبعیض جنسیتی در ورزش توانستند مضمون سطح بالاتر یعنی گفتمان‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان را بازنمایی و تبیین نمایند.

حاکمیت هنجارهای جنسیتی در ورزش

ماهیت جنسیتی ورزش که دربردارنده مضامین پایه نظیر اهمیت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هنجارهای جنسیتی، طبقه‌بندی و تناسب جنسیتی ورزش‌های مختلف، میزان زنانه و مردانه بودن ورزش‌ها، تجلیل از ارزش‌های مردانگی و درجه زنانگی و مردانگی آنان در ورزش‌های گوناگون و درنهایت سلطه مردان بر ورزش بود که مضمون سطح بالاتر یعنی جنسیت و هنجارهای جنسیتی در ورزش را بازنمایی نمود. درواقع، هنجارهای جنسیتی جزء جدایی‌ناپذیر هنجارها و باورهای مسلط در فرهنگ هر جامعه محسوب می‌شوند و از محوری‌تری موضوعات مربوط به ورزش زنان، جنسیت و موضوعات مرتبط با آن به‌ویژه هنجارهای جنسیتی^۱ در ورزش است (Seddigh & Zokaei, 2015; Chen and et al., 2015; Sajjadi and et al., 2013). چون همواره یک رابطه متقابل و پویا بین ورزش و فرهنگ هر جامعه برقرار است. بر این اساس، تشویق و تأیید ویژگی‌هایی نظیر خشونت، رقابت‌طلبی مفرط، جنگ‌طلبی، هیجان‌خواهی رقابتی و بدن‌تنومند مردانه در ورزش، می‌تواند مردان را به سمت معیارهایی سوق دهد که در جامعه به هنجارهای مردانگی منتسبند و این موضوع سبب مردانه شدن فضای حاکم بر ورزش‌ها و دسته‌بندی‌های مردانگی-زنانگی در ورزش می‌گردد (Plaza and et al., 2017). در کدگذاری و تحلیل مضمون داده‌ها، غالباً به تناسب جنسیتی در ورزش‌های رقابتی اشاره شده و یافته‌ها مؤید وجود هنجارهای جنسیتی در ترجیح ورزش‌های رقابتی برای مردان و زنان است. درواقع، ورزش‌های مختلف به طرز متفاوتی بر نگرش زنان نسبت به جنسیت (زنانگی و مردانگی) تأثیرگذارند (Yousefi and et al., 2014). به عقیده کوکلی (۲۰۱۷)، جامعه‌شناس مطرح ورزشی، عرصه ورزش همچنان مبتنی بر هنجارهای جنسیتی است؛ درواقع ورزش پدیده‌ای مبتنی بر جنسیت است (Coakly, 2017).

نقش‌های جنسیتی: تحلیل مضمون داده‌ها، مشخص‌کننده مضامین پایه نظیر فشار بر ورزشکاران برای هم‌نواپی با نقش‌های جنسیتی زنانه، هویت جنسیتی زنان ورزشکار و تقابل آن با هویت ورزشی آنان، میزان باورپذیری نقش‌های جنسیتی بود که این مفاهیم مبین مضمون اصلی حاکمیت نقش‌های جنسیتی و در سطح بالاتر هنجارهای جنسیتی است (Tavassoli and et al., 2015; Ghorbani and Hosseini, 2018). درواقع، دختر یا پسر بودن یک فرد، پیامد مهمی در همه جنبه‌های زندگی وی از جمله تعیین نقش‌های جنسیتی او و چگونگی رفتار بر اساس این نقش‌های جنسیتی در جامعه خواهد داشت (Bunsell, 2013). جامعه‌شناسان، تمایز مهمی میان مفهوم جنس^۲ و جنسیت قائلند. اصطلاح جنس بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد دلالت دارد، حال آنکه، مفهوم جنسیت ناظر بر ویژگی‌هایی شخصی و روانی است که جامعه آن را تعیین می‌کند و با مرد یا زن بودن، و به اصطلاح مردانگی و زنانگی همراه است (Garrett, 1998). بر اساس نقش‌های جنسیتی، رفتارهای زنان و مردان در زندگی تعریف شده و متمایز است. این رفتارها، از انتظارات دیگران از فرد، تا رفتارها افراد با یکدیگر و رفتار خود فرد با او را در برمی‌گیرد. این پیامدها در جوامع گوناگون همواره وجود داشته و از فرهنگی به فرهنگ دیگر، دارای تفاوت‌هایی است؛ با این وجود، می‌توان ادعا نمود که تقریباً تمام جوامع بر پایه تفاوت‌های جنسیتی میان زن و مرد سازمان یافته است. از طرف دیگر، ورزش آینه جامعه و کلید فهم هنجارها، ارزش‌ها و نقش‌های جنسیتی حاکم بر ساختارهای آن است؛ بنابراین ورزش نیز با در برداشتن این مفاهیم در نظام ارزشی و روابط حاکم بر آن تصویر بسیار دقیقی از نقش‌های جنسیتی، باورپذیری آنها حاکم بر ساختارها و فرایندهای جامعه را در اختیار ما می‌گذارد (Weiss & Norden,)

1. Gender Stereotypes

2. Sex

2021؛ Laker, 2002؛ Coakly, 2017). همچنین ورزش عرصه‌ای ارزشمند برای شکل‌دهی به هویت‌های جنسیتی ورزشکاران به‌ویژه زنان درگیر فعالیت‌های ورزشی است و چگونگی شکل‌گیری هویت‌های جنسیتی بر اساس هویت ورزشی زنان در میدان ورزش به خوبی قابل بررسی است. کدگذاری و تحلیل مضمون داده‌ها نشان داد زنان هویت‌های بدنی خود را در ورزش شکل می‌دهند و همچنین، بین هویت ورزشی و نقش جنسیتی بازیکنان حرفه‌ای ارتباط تنگاتنگی برقرار است (Ghorbani and Hosseini, 2018).

نگرش‌ها و باورهای جنسیتی، از مضامین حاکمیت‌های جنسیتی در شبکه‌ی تحلیل مضمون بود. زنان در ورزش با نگرش‌ها و باورهای جنسیتی زیادی روبه‌رویند (Chalabaev, 2014؛ Plaza, 2017)؛ از جمله اینکه «ورزش برای مردان است» یا اینکه نمی‌توانند به خوبی فوتبال بازی کنند. مفاهیمی نظیر تصورات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی حاکم بر ورزش، انگ‌زنی به زنان ورزشکار، طرح‌واره‌های جنسیتی، نگرش زنان ورزشکار به جنسیت، طرح‌واره‌ی جنسیتی^۱ و همچنین نحوه‌ی بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در منابع مختلف مانند رسانه‌های خبری، مفاهیم پایه‌ی مربوط به مضمون نگرش و باورهای جنسیتی بود. درواقع، عرصه‌ی ورزش نیز به‌عنوان یک پدیده‌ی مطرح اجتماعی، نمایانگر ارزش‌ها، هنجارها و باورهای حاکم بر جامعه است. حضور و حاکمیت هنجارهای جنسیتی، باورهای قالبی و جنسیتی در بخش‌ها و حوزه‌های مختلف ورزش بسیار چشمگیر و کاملاً ملموس است (Hannon and et al., 2009؛ Coakly, 2017؛ Weiss & Norden, 2021). افراد جامعه معمولاً معتقدند که زنان و مردان باید نقش‌های خاص جنسیتی را ایفا کنند؛ بنابراین، کلیشه‌ها برای حفظ این هدف و حفظ این نظم اجتماعی ارائه می‌شوند (Plaza and et al., 2017) بر اساس این کلیشه‌ها و باورهای قالبی، مردها قوی، مسلط، مستقل و ورزشکار تصور می‌شوند در حالی که زنان به‌عنوان افرادی ساکت، مطیع و پرورش‌دهنده تلقی می‌شوند. این دیدگاه اجتماعی به وضوح و به شدت در قلمرو ورزش تعبیه شده است. زنان ورزشکار، اغلب به دلیل تصویر جنسیتی موجود، در موضع پایین‌تری نسبت به مردان ورزشکار قرار می‌گیرند یعنی در جایگاه پایین‌تر از ورزشکاران مرد پنداشته می‌شوند (Vadhera, 2012؛ Chalabaev, 2014). البته نمی‌توان از اثرات سوء و مخرب کلیشه‌های جنسیتی بر عملکرد زنان در ورزش غافل شد؛ چون کلیشه‌ها مانند سدی محکم، از پیشرفت و رشد زنان در عرصه‌ی ورزش جلوگیری می‌کنند (Coakly, 2017).

تحلیل مضمون داده‌ها نشان دادند کلیشه‌های جنسیتی علاوه بر انتخاب فعالیت‌های ورزشی و مشارکت ورزشی زنان، بر عملکرد زنان ورزشکار نیز تأثیرگذار است. در این زمینه، بسیاری از محققان اثرات تهدید کلیشه‌ای جنسیتی بر عملکرد زنان در فعالیت‌های زنان ورزشکار را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که کلیشه‌های جنسیتی اثر سوئی بر عملکردهای تکنیکی و فنی ورزشکاران برجا گذاشته است. همچنین به تأثیر منفی کلیشه‌های جنسیتی بر عملکرد حسی-حرکتی و اضطراب شناختی^۲ اشاره گردیده است (Martiny and et al., 2015؛ Gentile and et al., 2018؛ Chalabaev, 2014)؛ بنابراین با طرح کلیشه‌های جنسیتی در عملکردهای ورزشی و تصور بهتر و برتر بودن مشارکت مردان در فعالیت‌های ورزشی باید بررسی و بازنگری شود. این موضوع حاکی از آن است که کلیشه‌های جنسیتی همچنان بر عرصه ورزش حکم فرماست و این باورهای قالبی و تصورات ایستا در مورد جنسیت، بر انتخاب افراد در نوع فعالیت‌های ورزشی و رفتارهای آنان بسیار تأثیرگذار است. در این رابطه، کوکلی (۲۰۱۷) بر لزوم انجام تغییرات ایدئولوژیک و فرهنگی در زمینه تغییر این کلیشه‌ها و ارزش‌های سوء در ورزش زنان بسیار تأکید می‌کند؛ چون جنسیت و هویت جنسیتی در فرایند رابطه‌ی ما با خودمان، دیگران و دنیایمان ساخته شده و یک ساخت فرهنگی

1. Gender Schema

2. Cognitive anxiety

است؛ بنابراین با انجام راهبردهای مؤثر در این زمینه می‌توان در جهت بهبود این باورها و رفع آنها در حوزه ورزش زنان اقدامات ارزنده‌ای را انجام داد.

عینیت‌بخشی ورزش زنان در رسانه‌ها

تحلیل تماتیک داده‌ها مشخص‌کننده این موضوع است که زنان در رسانه‌های خبری با توجه به ضعف در کمیت اخبار، عدم کیفیت پوشش خبری و همچنین سوگیری‌های جنسیتی به حاشیه رانده شده‌اند؛ این موضوع با سه مضمون بازنمایی نامناسب کمیتی، شکاف جنسیتی در رسانه‌ها و پوشش نامناسب خبری از نظر کیفیت مشخص شده است. از نظر بازنمایی نامناسب کمیتی، جای هیچ تردیدی نیست که امروزه رسانه و ورزش پیوندی تنگاتنگ و رابطه ناگسستنی با یکدیگر دارند. از طرف دیگر، موضوع «زن و رسانه‌ها» از اصلی‌ترین مباحث دهه‌های گذشته است که مورد نظر بسیاری از اندیشمندان، جامعه‌شناسان و به پژوهشگران مسائل حوزه زنان بوده است. امروزه رسانه‌ها در انواع رسانه‌های خبری، رسانه‌های جمعی و اجتماعی نقش بسیار برجسته‌ای در این زمینه ایفا می‌کنند (Woods, 2016؛ Coakly, 2017). با این وجود، نتایج تحلیل تماتیک داده‌ها نشان می‌دهد علی‌رغم دستاوردها و تلاش‌های قابل توجه زنان به‌ویژه بانوان ایرانی، سهم آنان از ظرفیت‌های موجود در خبرهای ورزشی رسانه‌های گروهی بسیار کم و ناچیز است. در این زمینه، نتایج تحلیل‌ها حاکی از آن بود که سهم ورزش زنان در رسانه‌های مطبوعاتی مکتوب و همچنین رسانه‌های تصویری مانند تلویزیون بسیار پایین است (Cooky and et al., 2013؛ Pressland, 2012). با وجود اینکه طی دهه‌های اخیر، مشارکت دختران جوان در ورزش افزایش یافته است، اما فاصله بین پوشش خبری ورزش زنان و مردان از لحاظ پخش تلویزیونی پر نشده و حتی بیشتر شده است. با اینکه گزارش‌ها و اخبار تلویزیونی مهم‌ترین منابع اطلاع‌رسانی در ورزش هستند، ولی همچنان تمایل به نادیده گرفتن یا به حاشیه راندن ورزش بانوان دارند. در واقع گزارش‌های ورزشی و امور مربوط به ورزش زنان در رسانه‌ها، درصد بسیار کمی از پوشش خبری در رسانه‌های معتبر جهان را به خود اختصاص داده است (Keshkar and et al., 2012؛ Toft, 2011). به‌طور کلی تحلیل داده‌ها، مؤید پوشش خبری ضعیف زنان از نظر مدت‌زمان اختصاص یافته پایین به اخبار زنان، جایگاه نامناسب اخبار زنان در جدول پخش برنامه‌های ورزشی، بی‌توجهی یا نبود برنامه‌ریزی خبری برای پوشش خبری بانوان در ورزش و درصد پایین مطالب عنوان شده در مورد اخبار زنان در انواع رسانه‌های گروهی مکتوب و تصویری است. در همین راستا، اکثر یافته‌ها حاکی از آن بود که تحلیل نشان داد که درصد بالایی از مطالب محتوای مطبوعات ورزشی مربوط به ورزش آقایان بوده و درصد پایینی از حجم مطالب به ورزش بانوان اختصاص یافته است.

کدگذاری یافته‌ها شکاف جنسیتی در رسانه‌ها نشان داد ورزش در تلویزیون و دیگر رسانه‌های گروهی، صرفاً یک مقوله مردانه است و در آن جنسیت خاصی مدنظر است. کدهای مستخرج از تحلیل تماتیک داده‌ها نشان‌دهنده شکاف جنسیتی و پوشش خبری غالباً با جهت‌گیری‌های جنسیتی رسانه‌هاست. مضامین حاصل شده نشان‌دهنده عدم توجه مناسب به عملکردهای ورزشی زنان و با حاشیه راندن زنان ورزشکار و نادیده گرفتن آنان در عرصه‌های گوناگون ورزشی همراه بوده است (Ghasemi and et al., 2013). در واقع، در نشریات و تلویزیون به مردان بیش از زنان پرداخته می‌شود و میزان تمرکز بر موفقیت‌ها و قابلیت‌های زنان بیش‌تر تحت تأثیر موفقیت آنان در مسابقات است، در حالی که مردان بدون توجه به نتیجه مسابقات خود، همواره تمایل دارند که بر جلد نشریات قرار گیرند. محتوای اخبار رسانه‌ها علائق و قابلیت‌های ورزشکاران زن را به حاشیه برده است. در بررسی مطالب روزنامه‌های ورزشی مشخص شد زنان ورزشکار در قالب چهار مفهوم ضعف فکری، مرجعیت مردان، مادر و خواهر بودن و جذابیت به

نمایش گذاشته می‌شوند. همچنین نتایج نشان داد که رسانه‌ها بیشتر به ورزش‌های انفرادی زنان توجه دارند تا ورزش‌های گروهی. تحلیل داده‌ها در مورد روزنامه‌های ورزشی آمریکا، کانادا و انگلیس در مورد زنان ورزشکار نشان داد که ورزش‌های مناسب جنس^۱ یعنی ژیمناستیک، شنا و تنیس بیش از رشته‌های نامناسب جنس مثل والیبال، فوتبال، هاکی و سافتبال انعکاس تصویری داشتند و حتی تعداد عکس‌های این گروه به دلیل جذابیت‌های جنسی آن بیش از تعداد میانگین عکس در صفحات اول و دیگر صفحات ارائه شده بود. هرچند با گذشت زمان، نشریه‌ها بیشتر از قبل به زنان توجه می‌کنند، اما تمرکز آنها بر جاذبه‌های جنسی زنان ورزشکار بیش از توانایی و مهارت‌های ورزشی آنهاست و در واقع، از این موضوع به‌عنوان امتیازی برای ارتقای درآمدهای تجاری و توسعه بازاریابی خود بهره می‌گیرند.

به‌طور کلی، آنچه در این روزنامه‌ها در مورد زنان ورزشکار یا ورزش زنان ارائه می‌شود، بر اساس قالب‌های رسانه‌ای و برحسب مقاصد معینی است که در آن تمایل دارد زن را در چارچوب‌های زنانگی و جنسیتی سنتی حفظ کند (Lumby and et al., 2010; Wanneberg, 2011). به‌طور کلی تحلیل مضمون یافته‌ها، نشان‌دهنده سوءگیری‌های جنسیتی، پوشش خبری نامناسب و با محوریت تمرکز بر زنانگی سنتی بجای عملکردهای ورزشی زنان ورزشکار است. همچنین، تفاوت اخبار برحسب سوگیری جنسیتی در متغیرهای تحقیق و همچنین خرده متغیرها معنی‌دار است. در محتوای اخبار، اموری مانند تشویق‌ها، رقابت‌های داخلی و گزارش‌های خبری به زنان تعلق دارد و بیشترین میزان اخبار انتقادی تحلیلی و اخبار رقابت‌های خارجی به مردان تعلق دارد، در واقع، جهت‌گیری مثبت اخبار ورزشی زنان بیش از مردان است. این موضوع نشان می‌دهد که مدیران نشریات، اخبار ورزشی را به شکلی مدیریت می‌کنند که تصویر پذیرفته شده از زن به‌عنوان موجودی دور از خشونت و دارای ظرافت و ویژگی‌های زنانه یعنی مبتنی بر هنجارهای زنانگی سنتی در اذهان اعضای جامعه ثابت بماند (Lisec, 2010).

پوشش کیفی نامناسب اخبار: علاوه بر آمارهای کمی در مورد میزان پایین پوشش خبری از ورزش زنان کشور، تحلیل تماتیک داده‌های پژوهش کیفیت نامناسب پوشش خبری ورزش زنان را بازنمایی نمود. در واقع، نتایج کدگذاری‌ها نشان دادند تصویر بانوان ورزشکار در خبرهای ورزشی، در مقایسه با عکس مردان ورزشکار کمتر به شکل رنگی درج می‌شود و در اکثر مطالب مربوط به زنان، آنها با لباس غیرورزشی و از نمای دور به نمایش می‌گذارند. در حقیقت این‌گونه بازنمایی‌ها، نشان از نادیده گرفتن و به رسمیت نشناختن دستاوردها و تلاش‌های بانوان در عرصه ورزش کشور است. این موضوع از اهمیت زنان ورزشکار در مقایسه با مردان می‌کاهد و به‌نوعی آنان را به‌دور از ورزش و دغدغه‌ها و مسائل خاص این حوزه نشان می‌دهد (Keshkar and et al., 2012). از طرف دیگر، با توجه به بافت فرهنگی کشور، اعتقادات مذهبی و قوانین موجود، نمایش زنان را بدون پوشش مناسب مجاز نمی‌داند؛ بنابراین، انعکاس تصویری زنان ورزشکار در تمامی رشته‌های ورزشی همواره با محدودیت همراه است. برجسته‌سازی اخبار ورزشی مردان با درج آنها در صفحه اول با ارزش‌گذاری بالا و تخصیص اکثریت قالب روزنامه به اخبار مردان و همچنین اختصاص اخبار مالی به مردان، همگی گویای مدیریت اخبار به نفع جایگاه ورزش مردان در جامعه است. تمامی این جملات نشان به بازنمایی مضامین در سطح بالاتر یعنی محتوای کیفی نامناسب بازنمایی اخبار ورزشی زنان اشاره دارد. به‌طور کلی، شاید نظریه باورهای اجتماعی در این زمینه صادق است که ورزش در نظر جامعه، امری مردانه تلقی می‌شود و با انتخاب و درج عکس‌هایی که در آنها هر چه بیشتر زنان دور از عرصه ورزش نشان داده شود، این مهم تحقق می‌یابد و به این طریق، این پیام به جامعه القا می‌شود (yousefi and et al., 2014).

(Ghasemi and et al., 2013). به‌طور کلی، همه مضامین فوق نشان از شکاف عمیق بین وضع موجود و وضع مطلوب نقش رسانه‌ها در ورزش بانوان کشور دارد. در صورتی که رسانه می‌تواند پله ترقی ورزش زنان باشند. با این وجود، زنان تا اندازه زیادی از صحنه ورزش غایب‌اند و با این‌گونه برخورد با آنان، زنان را آن‌گونه که درباره آنان می‌خوانیم و می‌شنویم، درک خواهیم کرد. این مسئله موجب کوچک شمردن آنها و تلاش‌های ورزشی‌شان و در نتیجه نادیده انگاشتن و به‌مرور زمان حذف آنان از صحنه‌های بین‌المللی ورزش خواهد شد.

تبعیض جنسیتی در ورزش زنان

نابرابری در حقوق اقتصادی- مالی، نابرابری در پست‌های مدیریتی و اجرایی، تبعیض در دسترسی به منابع تسهیلاتی، نابرابری در فرصت‌های آموزشی و در نهایت حمایت‌های نابرابر اجتماعی مضامین پایه و اولیه‌ای هستند که مضمون سطح بالاتر یعنی تبعیض جنسیتی را بازنمایی می‌کنند. تحلیل تماتیک داده‌ها، نشان داد که تبعیض جنسیتی در ورزش سطح بسیار وسیعی از نابرابری‌ها و عوامل بازدارنده را در برمی‌گیرد. این موضوع شامل نابرابری در حقوق اقتصادی- مالی مانند پرداخت نابرابر حقوق و دستمزد، مزایا و تسهیلات مالی محدود، نابرابری در قراردادهای مالی- پاداش‌های قهرمانی در ورزش زنان، تبعیض در دسترسی به منابع تسهیلاتی نظیر اماکن ورزشی محدود برای زنان، محدودیت‌های رفت‌وآمد عدم حمایت اسپانسرهای مالی در ورزش زنان، حمایت نابرابر خانواده‌ها و سایر عوامل مرتبط با آن را در برمی‌گیرد. همواره زنان و سایر مسائل مرتبط به آنان در درجه دوم اهمیت قرار دارد. مضمون دیگری از تبعیض جنسیتی، نابرابری در پست‌های مدیریتی و اجرایی است. فرصت‌های نابرابر استخدامی، عدم توجه به خواسته‌ها و توانمندی‌های مسئولین زن شاغل در سازمان‌های مربوطه، عدم به‌کارگیری زنان برای تصدی پست‌های مناسب سازمانی و حمایت نکردن از آنان برای احراز پست‌های بالاتر سازمانی (پدیده سقف شیشه‌ای^۱ در سازمان‌ها) همگی مصادیق بارز این‌گونه شکاف‌ها و تبعیض جنسیتی در عرصه ورزش برای زنان است (Salimi and et al., 2022؛ Badami and et al., 2022).

علاوه بر این، مضمون حمایت نابرابر اجتماعی هم در شبکه مضامین مرتبط با مضمون تبعیض جنسیتی در ورزش وجود دارد. این مضمون، پوشش رسانه‌ای نامناسب، تبلیغات رسانه‌ای بر محوریت نقش‌های سنتی زنانگی و فشارها و قشربندی‌های جنسیتی اجتماعی وارد بر زنان حتی توسط خانواده‌ها در عرصه ورزش را دربر می‌گیرد. در واقع، کولکی (۲۰۱۷) بیان می‌کند با وجود افزایش چشمگیر زنان در عرصه‌های ورزشی به‌صورت تماشاگر، ورزشکار و چه در سایر نقش‌ها، اما همچنان باید در مورد رشد و پیشرفت زنان در عرصه ورزش و همچنین، تبعیض و نابرابری‌های جنسیتی با احتیاط صحبت نمود. در واقع عرصه ورزش، راه طولانی برای رسیدن حتی به حد وسط و متعادلی از برابری‌های جنسیتی در ابعاد مختلف آن در حوزه ورزش زنان را در پیش دارد. در ورزش ایران نیز مانند سایر کشورها، ابعاد نابرابری جنسیتی به شکل‌های مختلفی خود را نمایان می‌سازد. در اختیار داشتن منابع قدرت جامعه در یک جنس، موجب برتری قدرت او بر جنس مخالف و موجب می‌شود تا جنس مخالف تحت سلطه و نفوذ قدرت برتر او درآید. عرصه ورزش نیز از این قاعده مستثنی نیست و ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر فضای ورزش نیز بسیار متأثر از هنجارهای هر جامعه و نمایانگر آن‌هاست و زنان همواره حمایت‌های نابرابری از جامعه برای رسیدن به سطح بالای توانمندی‌های خود برخوردارند. این موضوع، عدم حمایت خانواده‌ها از ورزش دختران و زنان تا فشارهای اجتماعی بر زنان بر اساس هنجارهای سنتی مردسالارانه و نقش‌های زنانگی را در برمی‌گیرد. تقویت مفهوم بی‌اساس «جنس

1. Glass ceiling

ضعیف» تلاشی برای حفظ ورزش به‌عنوان یک مقوله مردانه است (Davis and et al., 2012). مرور تاریخی بیشتر جوامع، بیان‌کننده نقش حاشیه‌ای زنان در ورزش است. وجود هژمونی^۱ مردانه و سلطه ارزش‌ها و نظام مردسالارانه در عرصه ورزش به‌ویژه در فوتبال را می‌توان آشکارا در عنوان فصل چهاردهم کتاب «روزی روزگاری فوتبال» به‌خوبی مشاهده نمود. صدر (۲۰۱۹) در این کتاب، با اختصاص دادن عنوان یکی از فصل‌ها با مضمون «فوتبال یک بازی مردانهٔ مردانه»، درصدد تأیید و هویدا ساختن نابرابری‌های جنسیتی در حوزه ورزش است و رویکردهایی مانند پیوند ورزش با دیدگاه‌های مردسالارانه، محدودسازی نقش زنان، حضور زنان در قالب نقش‌های منفعل در ورزش مانند تماشاگر صرف را روشن می‌کند. وی بیان می‌کند سال‌هاست که جمله کلیشه‌ای نیمی از جمعیت کره خاکی را زنان تشکیل داده‌اند دائماً تکرار می‌شود، ولی جایگاه این نیمه در قلمرو ورزش، چه به‌عنوان ورزشکار و چه در قالب تماشاگر، حتی در کشورهایی که بر برابری زن و مرد پا می‌فشارند، هنوز مبهم و نا آشکار باقی‌مانده است. با مرور تاریخ ورزش غرب، می‌توان بیان نمود حتی در زمانی که زنان در عرصه رقابت‌های ورزشی می‌درخشیدند بجای تمرکز بر عملکردهای ورزشی آنان، به جذابیت‌های جنسی زنان ورزشکار توجه می‌شد. در رقابت‌های جام جهانی فوتبال زنان ۱۹۷۱، بیان جمله تبلیغاتی «زیباترین بازیکن فوتبال جهان» پیش از دیدار دو تیم از زنان، یادآور نمایش کاباره‌ها^۲ و تمرکز مفرط به هنجاری سنتی زنانگی حتی در عرصه ورزش بود که این موضوع موجب اعتراض ورزشکاران در آن زمان و انتقاد آنان از تلقی جنسی و کاسب‌کارانه حاکم شد (Sadr, 2019). به نظر می‌رسد عرصه ورزش هنوز مبتنی بر هنجارهای جنسیتی و سوگیری‌های جنسیتی به نفع مردان است (Fernandez and et al., 2016).

به‌طور کلی، جنسیت مسئله مهمی در ورزش است و یا شاید مهم‌ترین مسئله در ورزش همان جنسیت است و بر این اساس، بررسی گفتمان‌های جنسیتی حاکم بر ورزش زنان می‌تواند دیدگاه‌های عمیق و جدیدی از رویکردهای این‌چنینی برای متخصصان، پژوهشگران، ورزشکاران و سایر افراد ذینفع و ذی‌نفع ایجاد نماید. در یک دیدگاه کلی، تمامی مضامین استخراج‌شده این تحقیق در سطح میانی و مفاهیم گسترده پایه در سطح خرد، همگی به هم مرتبط بودند و رابطه تنگاتنگی بین این مقولات در زمینه ترسیم گفتمان‌های جنسیتی در ورزش زنان وجود دارد. بر اساس شبکه مضامین ترسیم‌شده، می‌توان به این نتیجه رسید مجموع این مضامین به‌خوبی می‌تواند گفتمان‌های جنسیتی اساسی را در ورزش زنان بازنمایی کنند. از طرف دیگر، به‌منظور درک و شناسایی مفاهیم گسترده و بینش‌های کاربردی‌تر از ورزش زنان، پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌هایی مبنی بر بررسی تجربه زیسته ورزشکاران و سایر افراد درگیر در ورزش زنان به‌طور جامع‌تری انجام گردد. در نهایت، مشارکت ورزشی باید وسیله‌ای برای زنان باشد تا نابرابری‌ها و تعصبات جنسیتی نادرست را از بین ببرند، و خود را توانمند سازند. اگرچه پیشرفت‌های زیادی در ورزش زنان حاصل گردیده است، با این‌وجود، هنوز پیش‌داوری‌ها و شیوه‌های تبعیض‌آمیز زیادی وجود دارد که زنان را از رسیدن به آن اهداف ایدئال منع می‌کند. دستاوردهای زنان در ورزش تا به امروز نشان داده است که ورزش زنان این پتانسیل را دارد که زنان ورزشکار موفق را به نمایش بگذارد؛ بنابراین با انجام چنین پژوهش‌هایی، شاید بتوان به‌طور مثبت بر جنبه‌های سیستماتیک مانند باورهای جامعه در مورد زنان و در نتیجه در آینده بر سیاست‌های ورزشی زنان تأثیر مثبتی گذاشت.

1. Hégémonie

2. Cabaret

منابع

- Abedi Ja'fari, H., Taslimi, M., Faghihi, A., & Sheikhzade, M. (2011). The matic analysis and thematic networks: A simple and efficient method for exploring patterns embedded in qualitative data municipalities). *Strategic Management Thought*, 5(2), 151-198. (Persian)
- Badami, R., & yazdanparast, S. (2022). Comparison of the development environment of Tennis Players of different competitive and social levels (Iranian and Foreign) in terms of training and social support. *Strategic Sociological Studies in Sport*, 1(1). (Persian)
doi: 10.30486/4s.2022.1950031.1009.
- Bunsell, T. (2013). *Strong and Hard Women: An ethnography of female bodybuilding*. London: Routledge.
- Burke, M. (2010). A feminist reconstruction of liberal rights and sport. *Journal of Philosophy of Sport*, 3 (1), 11-28.
- Butler, J. (2004). *Undoing Gender*. New York: Routledge.
- Chalabaev, A. (2014). The influence of sex stereotype and gender roles on participation and performance in sport and exercise: Review and future directions. *Journal of Psychology of Sport and Exercise*, 2, 34-50.
- Chen, S., Ratburn, B., & Phillips, C. (2015). Female college athletes' perceptions on gender stereotypes and discrimination in collegiate athletics.
- Coakly, j. (2017). *Sport in Society: Issues and controversies*. Twelfth Edition, Graw Hill Publication, United States.
- Cooky, C., Messner, M. A., & Hextrum, R. H. (2013). Women play sport, but not on TV: A longitudinal study of televised news media. *Communication & Sport*, 1(3), 203-230.
- Cox, B. & Thompson, S. (2000). Multiple bodies: Sportswomen, soccer and sexuality. *International Review for the Sociology of Sport*, 35 (1), 5-20.
- Cresswell, T. (1996). *In Place/Out of Place Geography, Ideology, and Transgression*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Fernandez, C. R., Betancur, J. O., & de la Cuadra, J. P. (2016). Athletic body stereotypes in the academic training of students in the Physical Activity and Sport Sciences. *Journal of Human Sport and Exercise*, 11(1), 74-88.
- Davis, K., & Tuggle, C. (2012). A gender analysis of NBC's coverage of the 2008 Summer Olympics. *Electronic News*, 6(2), 51-66.
- Delavar, A. (2009). Qualitative methodology. *Strategy Magazine*, 19(54).
- Douglas, M. (1986). *How institutions think*. Syracuse: Syracuse University Press.
- Gentile, A., Boca, S., & Giammusso, I. (2018). You play like a Woman! Effects of gender stereotype threat on Women's performance in physical and sport activities: A meta-analysis. *Psychology of Sport and Exercise*, 39, 95-103.
- Ghasemi, H., Farahani, A., Shakarami, Z., & Hoseini, S. (2013). Content analysis of sports programs with emphasis on state television coverage of women's sport. *Communication Management in Sport Media*, 1(2), 23-30. (Persian)
- Ghorbani, L., & Hosseini, M. (2018). Investigate the relationship between athletic identity and gender roles in professional futsal players took the province in Hormozghan. *Applied Research in Sport Management*, 7(2), 27-34. (Persian) doi: 10.30473/arsm.2018.5086.
- Garrett, S. (1998). *Gender*: Routledge.
- Lumby, C., Caple, H., & Greenwood, K. (2010). Towards a level playing field: Sport and gender in Australian media. Retrieved November, 2, 2010.
- Hannon, J., Soohoo, S., Reel, J., & Ratliffe, T. (2009). Gender stereotyping and the influence of race in sport among adolescents. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 80(3), 676-684.
- Hargreaves, J., & Vertinsky, P. A. (Eds.). (2007). *Physical culture, power, and the body* (p. 1). London: Routledge.
- Harris, J., & Penney, D. (2002). Research in physical education. Priority areas for investigation. *British Journal of Teaching Physical Education*, 33(2), 6-10.
- Hoeber, L. (2008). Gender equity for athletes: Multiple understandings of an organizational value. *Sex Roles*, 58(1), 58-71.
- Jones, A., & Greer, J. (2011). You Don't Look Like an Athlete: The effects of feminine appearance on audience perceptions of female athletes and women's sports. *Journal of Sport Behavior*, 34(4).
- Keshkar, S., Ghasemi, H., & Shiroie, A. (2012). The relationship between news management components and sport reports with an emphasis on gender orientation in sport newspapers. *Journal of Sport Management*, 4(14), 5-29. (Persian)
- Laker, A. (2012). *Sociology of sport and physical education: An introduction*. Routledge.

- Lisec, J. P. S. (2010). *Gender Inequality in the New Millennium: A Narrative Analysis of WNBA Representations in the New Media* (Doctoral dissertation, Miami University).
- Lorber, J., & Martin, P. Y. (2007). The socially constructed body. *Illuminating social life: Classical and contemporary theory revisited*, 226-244.
- Martiny, S. E., Gleibs, I. H., Parks-Stamm, E. J., Martiny-Huenger, T., Froehlich, L., Harter, A. L., & Roth, J. (2015). Dealing with negative stereotypes in sports: The role of cognitive anxiety when multiple identities are activated in sensorimotor tasks. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 37(4), 379-392.
- McDermott, L. (2004). Exploring intersections of physicality and female-only canoeing experiences. *Leisure studies*, 23(3), 283-301.
- Messner, M. (2011). Gender ideologies, youth sports, and the production of soft essentialism. *Sociology of Sport Journal*, 28, 151-170.
- Mohammadpour, A. (2009). Qualitative data analysis: Procedures and models. *Journal of anthropology*, 1, 127-160. (Persian)
- Orbach, S. (2006). *Fat is a Feminist Issue*. 2nd ed. London: Arrow Books.
- Plaza, M., Boiché, J., Brunel, L., & Ruchaud, F. (2017). Sport male... But not all sports: Investigating the gender stereotypes of sport activities at the explicit and implicit levels. *Sex Roles*, 76(3), 202-217.
- Pressland, A. (2012). 'Still Struggling After All These Years?': The Representation of Sportswomen in Middle-brow British Newspapers 2008-2009 (Doctoral dissertation, University of York).
- Sadr, H. (2019). *Once Upon a Time Football*. Cheshme Publishing House. Tehra. (Persian)
- Sajjadi, M., Shatab Bushehri, N., Mahdipour, A., & Beshlideh, K. (2013). Comparison of the gender role of female athletes participating in female and male sports based on the textual model. Master's Thesis, School of Physical Education and Sports Sciences, Department of Movement Behavior and Sports Psychology, Winter. (Persian)
- Salimi, M., Moslehi, L., & Labbaf, A. H. (2022). Designing a model of cultural barriers for women's participation in leisure sports activities in sports recreation centers. *Strategic Sociological Studies in Sport*, 1(1). (Persian) doi: 10.30486/4s.2022.1949726.1004.
- Seddighi, S., & Zokaei, M. (2015). Femininity and Sport. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 13(2), 67-92. (Persian)
- Stubbs, J. (2013). 'Lez' Play Rugby: Managing the lesbian stereotype on and off the Rugby Pitch. Wheaton College Academic Festival. Wheaton College, April. Available: <http://wheatoncollege.edu/academic-festival/files/2013/04/Stubbs-Lez-Play-Rugby.pdf> [Accessed: 23 May 2016].
- Tavassoli, A., Honary, H., & Koshafer, A. (2015). A survey of gender identity differences of male and female professional athletes in Iran. *New Trends in Sport Management*, 3(8), 73-82. (Persian)
- Toft, D. (2011). New sports press survey: Newspapers focus narrowly on sports results. <https://www.playthegame.org/news/news-articles/2011/new-sports-press-survey-newspapers-focus-narrowly-on-sports-results/>.
- Vadhera, N. (2012). Gender discrimination of women in sports: An analysis of its perspectives. *Quest International Multidisciplinary Research Journal*, 1(2), 1-7.
- Walker, J.J., Golub, S.A. & Bimbi, D. (2012). Butch bottom-femme top? An exploration of lesbian stereotypes. *Journal of Lesbian Studies*, 16 (1), 90-107.
- Wanneberg, P.L. (2011). The sexualisation of sport: A gender analysis of Swedish elite sport from 1967 to the present day. *European Journal of Women's Studies*, 18(3), 265-278.
- Woods, R. (2016). *Social issues in sport: Human Kinetics*.
- Young, J.M. (1980). Throwing like a girl: A phenomenology of feminine body comporment motility and spatiality. *Human Studies*, 3 (2), 137-156.
- yousefi, S., zarki, P., sharifian, E., & ghahraman tabrizi, K. (2014). The content analysis of the best seller newspapers and online in the Iran with emphasis on different disciplines covering the main components of the female athlete. *Contemporary Studies On Sport Management*, 4(7), 45-54. (Persian)
- Weiss, O. & Norden, G. (2021). *Introduction to the Sociology of Sport: BRILL*.